

## تشابهات بین موافقتنامه ژنو با

### قرارداد امنیتی آمریکا و افغانستان

(قسمت دوم)

امیرفیض-حقوقدان

#### دوم – هماهنگی نمایندگان سنی مذهب مجلس ایران و عراق

در قسمت اول این تحریر درباره هماهنگی سیاست آمریکا در مورد تهدید افغانستان و ایران بمناسبت خودداری از قرارداد امنیتی و موافقتنامه مختصرگفتگو داشیم و یک مورد از کیفیت اجرای تهدید ایران که انفجار سفارت ایران در لبنان بود بعنوان قرینه استفاده گردید، اکنون به قرینه دیگر که هماهنگی استعفای نمایندگان سنی مذهب مجلس جمهوری اسلامی و عراق است رجوع میکنیم.<sup>۱</sup>

درست همزمان با مذاکرات ژنو و نیز طرح قرارداد امنیتی آمریکا و افغانستان که با تهدید جان مک کی همراه است ۱۸ نماینده سنی مذهب خوزستان و ۷ نماینده لرستان از سمت نمایندگی خود استعفا دادند و همزمان با یکی دوازده روز پیش و پس ۴۴ نماینده سنی مذهب مجلس عراق هم استعفا دادند. هماهنگی علت استعفای نمایندگان سنی مذهب ایران و عراق اهمیت خاصی دارد و آن اعتراض آنان به تبعیض و رانده شدن به حاشیه است یعنی موضوعی که واقعیت دارد.

در بیانیه استعفای وکلای سنی مذهب مجلس جمهوری اسلامی استناد به بودجه سال ۹۳ شده است که ۷۰ درصد از بودجه خوزستان کسر شده و آب کارون راهم به اصفهان منتقل کرده و خوزستان در معرض خشکی قرار گرفته است.

واکنش استعفای نمایندگان سنی مذهب جمهوری اسلامی ایران، دخالت رئیس مجلس، و اعلام معاون شیخ روحانی در محرومیت اقلیت های مذهبی و لزوم چاره اندیشی بود.

واکنش استعفای نمایندگان سنی مذهب عراق شورش در فلوجه و رمادی بود که هنوز هم تا ساعت تنظیم این نوشته ادامه دارد و قابل توجه اینکه نخست وزیر عراق از آمریکا طلب یاری و کمک کرده است.

#### ابعاد جریان استعفاها

آیا فقط امسال است که سنیان ایران در موقعیت تبعیض قرار دارند؟ مسلماً خیر از شورش ۵۷ اقلیت های مذهبی به حاشیه رانده شده اند و سیستان و بلوچستان و خوزستان در نهایت عسرت و بی توجهی قرار گرفته است. هنوز که هنوز است خرمشهر یک شهر جنگ زده است. پس چرا نمایندگان سنی مذهب در مدت سی

<sup>۱</sup> - بخش نخست را اینجا بخوانید:

سال گذشته در حد استعفا اعتراض نکردند و اکنون که مسئله مذاکرات و تحمیل موافقتنامه ژنو مطرح است حضرات احساس تبعیض کرده اند؟

آیا اقدام آنان و همزمانی با نمایندگان سنی مذهب عراق و باز همزمانی با مذاکرات ژنو، یک امر تصادفی است و انشاء الله گریه است؟

خیر، بسیاری دستاوردها که محصول تهدید ایران در مقابل سرکشی نسبت به موافقتنامه ژنو است در این برنامه خوابیده و قابل ملاحظه است.

از آنجا که مذاکرات ژنو در جریان است و آمریکا ترجیح میدهد که از طریق موافقتنامه ژنو کارحاکمیت جناح اصولگرا راباسازد، به همین برنامه اقدام به استعفای نمایندگان قناعت کرده و این علامت را هم به جمهوری اسلامی داد که آمریکا براحتی میتواند همان برنامه تجزیه عراق و شورش فلوجه و رمادی را در خوزستان و مناطق سنی نشین ترتیب بدهد خاصه که زمینه های مساعد این کار با قطعنامه شورای به اصطلاح ملی!! و هم با حمایت و تشویق از تجزیه طلبان آنهم در حد جان از تجزیه طلبان فراهم ساخته است.

از جریان قطعنامه شورای به اصطلاح ملی!! و ماده ۱۱ آن مستحضرید ولی شاید از حمایت های در حد جان از تجزیه طلبان آگاه نباشید و یا بفراموشی رفته باشد.

حمن حاضر برای پیروزی، هرتیر بلا واهانتی که بسوی برادران وخواهران کرد، آذری، بلوج و غیره رهامیشود به جان من بخورد<

(بیانیه اعلیحضرت ۱۱ خرداد ۱۳۸۵)



حمن در تمام ۲۵ سال باری نبوده که بایک هم میهن کرد خودم صحبت کرده باشم و هیچوقت صحبت تجزیه طلبی نشنیده ام. من از خود مردم ایران میخواهم که در این شرایط باید بشتابند بیاری برادران کرد که در خط مقدم مبارزه بالاترین بها را میپردازند که در واقع برای آزادی تمام ما در خط مقدم قرار گرفته اند این اولین اقدام راباید خودتان بردارید و بعد از دنیا بخواهیم که در این مورد سکوت نکنند<

(مصاحبه باقائم مقامی اول شهریورماه ۱۳۸۴)

در کنار قطعنامه شورای باصطلاح ملی!! (ماده ۱۱) که یک سند سیاسی مبنی بر رضایت تجزیه ایران توسط بخشی از ایرانیان خارج از کشور است، حمایت شخصی و جانی از تجزیه طلبان و تکلیف تاسی گرایانه که برای همه مردم ایران مقرر شده نشانی از عمق فاجعه و حرکت بسوی تجزیه خوزستان، کردستان، سیستان و بلوچستان و آذربایجان است.

آقای امامی مدیرکل اداره اطلاعات جمهوری اسلامی در خوزستان در تاریخ سی ام آذرماه سال جاری نوشت:

> ۳۵ گروه تجزیه طلب در خوزستان فعالند که از سوی آمریکا و اروپا و کشورهای منطقه سازماندهی شده اند و حدود ۶۰۰ نفر سرکرده دارند و حجم فعالیت آنان در این اواخر در خوزستان بسیار زیاد است.<

**یک نمونه دیگر:**

بنوشته روزنامه کیهان لندن - کریم عبدیان نماینده حزب دمکرات اهواز درواشنگتن گفته است: « در ماه اوت ۲۰۰۵ گروه هیکس و شرکاء از او دعوت کرده که با آنان دیدن کند، این گروه مشاور پنتاگون و وزارت دفاع آمریکا است، او اضافه کرده در دیدار مزبور آنها میخواستند اطلاعاتی درباره اعراب ایرانی داشته باشند اطلاعاتی از قبیل اینکه ما چقدر جمعیت ایران هستیم - به چه کمکهائی احتیاج داریم. من به آنها گفتم که ما در حدود ۵ تا ۶ میلیون هستیم ولی تمام حوزه های نفتی در حوزه اقامت ماست ما از این ثروت بهره ای نمبریم و خواهان خاتمه دادن به تسلط فارسها هستیم - عبدیان اضافه کرد که نمایندگان تمامی اقلیتهای قومی مانند کردها - بلوچها - آذری ها توسط گروه هیکس و شرکاء مورد سوال قرار گرفته اند.»<sup>۲</sup>

(اقتباس کیهان لندن از واشنگتن پست)

نکته قابل توجه در اظهارات کریم عبدیان همان تبعیض و رانده شدن از در آمد منطقه است که در علت استعفای نمایندگان خوزستان و نیز نمایندگان سنی مذهب مجلس عراق مشترک است، نکته دیگر اینکه عبدیان علاج این نابرابری را خاتمه دادن به خوزستان به پیوستگی با ایران، به آمریکا اعلام کرده است.

باز نکته دیگر اینکه، کریم عبدیان گفته است: «ملت عرب خوزستان به امید خودگردانی و خود مختاری در انقلاب اسلامی شرکت کرد» (کیهان لندن فروردین ۱۳۸۹)

و بالاخره نکته تاسف آور این است که اعلیحضرت جانشان راهدیه کرده اند به این افراد که در نهایت، تعبیر میشود به جان فشانی در راه جداسازی خوزستان و مناطق دیگر از ایران، و از ایرانیان هم خواسته اند که از آن اشخاص جانبداری کنند و در معنای دیگر به عمل ایشان تاسی نمایند.

آیا حمایتی مهم تر و پر بارتر ممکن است از تجزیه طلبان ایران منظور داشت؟ آن سند حقوقی ماده ۱۱ قطعنامه و این هم پشتوانه های ملی!!

**حاشیه** = تنها شخصی که جانشان، کلامشان و اعتبارشان مقید به قیودات قانونی و سنت مشروطیت است شخص اعلیحضرت است و ایشان در صحنه سازی های «از کیسه خلیفه بخشیدن» مشارکتی نمیتوانند داشته باشند، گرچه اینچنین فرمایشات تعارف آمیز امتحان شده است چنانکه سپردن ایشان در جریان جنبش سبز، ولی تاثیر اجتماعی و وزنه اعتباری که به اقدامات تجزیه طلبان میدهد کار خود را خواهد کرد. (پایان حاشیه)

این اشارات اندک از بسیار برای این است، جمهوری اسلامی میدانند که در خوزستان چه خبر است و برنامه های آمریکائی ها برای تبدیل ایران به عراق در چه حدی مشخص و از پشتیبانی های چهره های برجسته ایرانیان خارج و داخل کشور برخوردار است و در یک کلام میدانند که همه چیز آماده یک اشاره آمریکاست لهذا ابد از درک بازی هویج و چماق و پلیس خوب و بد غافل نیست.

۲ - توجه به گروه ها و کنگره ها و یا سازمان و حزب هایی که همگی در پی کمک آمریکا هستند و بجای نوشتن نام همان ده بیست نفر عضوشان (در حد اکثر، برخی یکی دو نفر بیشتر عضو ندارند) نوشتن نام هایی که نماد تجزیه طلبانه کرد و بلوچ و آذری و خوزستانی را القا میکند را برگزیده اند. خودشان را «شقه» کرده اند تا در زمان «شقه» کردن ایران در ارانه سند از غافله عقب نمانده باشند. ح-ک

## علائم ضمیمه

گرچه درخواست کمک نوری مالکی از آمریکا برای مقابله با شورشیان فلوجه، مستند به بندا اول ماده چهار (۴) قرارداد امنیتی بین آمریکا و عراق است ولی این درخواست نوری مالکی علامتی است برای ایران که همانطور که عراق قادر نیست بدون کمک و موافقت ما (آمریکا) از شورشیان نیابتی خلاصی پیدا کند جمهوری اسلامی هم بدون رضایت و خواست آمریکا قادر نخواهد بود که شر پی آمد های التیماتوم ها رهشود.

## تشابه دیگر در نگرانی

نگرانی خامنه ای و کرزای از توجه اتهام موافقتنامه ژنو و قرارداد، یک نگرانی مشترک است و هر یک سعی دارند که وبال موافقتنامه و قرارداد رابطریقی از خود ساقط سازند، و لاجرم به انجام برنامه هائی متوسل شده اند. کرزای به تشکیل لویی جرگه و خامنه ای هم به ادعای حضور قوای سه گانه کشور در امر مذاکرات و موافقتنامه ژنو.

ولی هیچکدام از این تدابیر رفع مسئولیت و اتهام از کرزای و خامنه ای نمیکند؛ زیرا کرزای اصول قرارداد امنیتی را در سال قبل درواشنگتن امضا کرده است و موافقتنامه ژنو هم مورد تانید و تجلیل خامنه ای قرار گرفته و سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی و همچنین ولایتی مشاور ارشد خامنه ای هم اعلام قبول و اجرای آنرا اعلام کرده اند.

## وجه تشابه دیگر، بی اطلاعی عمومی از موافقتنامه و قرارداد امنیتی

هم در ایران و هم در افغانستان، مردم از متن واقعی موافقتنامه امضا شده ژنو و قرارداد امنیتی اطلاع کافی ندارند، روزنامه کابل در شماره مورخ ۲۲ عرقب سال جاری نوشت <نمایندگان مجلس در مورد پیمان امنیتی ابراز نگرانی کرده و تاکید دارند که این سند باید هرچه زودتر در اختیار آنان قرار گیرد - حاج عبدالله یکی از نمایندگان مجلس افغانستان گفت: <نظرخواهی و بحث روی مسئله ای که برای افغان حیاتی است متاسفانه از محتوای تاکنون ما آگاه نیستیم که سبب نگرانی ما شده است.>

سرور عثمانی یکی از اعضای لویی جرگه گفته <ما هنوز پیمان امنیتی را نمیدانیم چیست و متن آن در اختیار ما قرار نگرفته و ما نگرانی داریم.>

در افغانستان یکسال است که از امضای موافقتنامه قرارداد امنیتی میگذرد ولی مجلس آن کشور از متن قرارداد بی خبر و از حق بحث و تصویب محروم شده است.

عین جریان مجلس افغانستان در مجلس جمهوری اسلامی جاری است. موافقتنامه به امضای نماینده رئیس جمهور رسیده و مورد تانید و تجلیل خامنه ای قرار گرفته ولی بصورت رسمی و قانونی در اختیار مجلس قرار نگرفته و همانطور که در تحریر حاضر ارائه مطلب شد مسئولین هر دو کشور با استفاده از طرق خاصی عالما و عامدا در مسیر به جریان انداختن موافقتنامه ژنو و قرارداد امنیتی بدون عبور از مجلس هستند و علت خودداری دخالت مجلس هم این است که مسئولین جمهوری اسلامی و افغانستان خوب میدانند که موافقتنامه و قرارداد امنیتی اسارت است.

**قرارداد امنیتی با قرارداد مشاوره**

بند دوم ماده ۶ قرارداد امنیتی افغانستان میگوید:

«آمریکا هرگونه تجاوز خارجی و یا تهدید به تجاوز علیه حاکمیت و استقلال و تمامیت ارضی افغانستان را موجب نگرانی شدید خود پنداشته و باور دارد که چنین تجاوزی میتواند منافع مشترک طرفین را در رابطه با ثبات افغانستان، صلح و ثبات منطقه و جهان را تهدید کند.»

بند سوم همان ماده ۶ میگوید: «در صورت چنین تجاوزی طرفین با هم مشورت میکنند.»

آیا نام چنین قراردادی قرارداد مشاوره است و یا قرارداد امنیتی؟ آیا درخواست جدی و مصرانه آمریکا برای ۹ پایگاه نظامی در کشور افغانستان لازمه مشاورت است؟ پنداشتن یعنی خیال کردن، آیا خیال کردن آمریکا که حمله به افغانستان میتواند مانع منافع مشترک طرفین با ثبات افغانستان باشد، مشکل حفظ امنیت افغانستان را تأمین میکند؟

پنداشتن که به معنای خیال و تصور کردن است از زمین تا به آسمان با عمل و تعهد به کار تفاوت دارد.

در شعار (گفتار نیک - پندار نیک - کردار نیک) تفاوت بین پندار و کردار نشانگر تفاوت بین خیال کردن و تعهد به عمل است.

آیا خیال کردن (پنداشتن) و نگرانی شدید آمریکا آنقدر مهم است که باید ۹ پایگاه نظامی به آمریکا داده شود؟ مصونیت قضائی به ارتشیان و خدمه آنان در افغانستان داده شود؟ به آمریکائی اجازه داده شود که بتشخیص خودشان هر ساعت شب و روز به منازل مردم افغان وارد شوند؟ باین شرط بسیار مسخره که ساکنان منازل را در منزل هدف قرار نمیدهند (بند سوم ماده ۷) یعنی هرکاری که میل دارند با زن و مرد ساکنین منزل میکنند و فقط آنها را در خانه هایشان نمیکنند در حقیقت میتوانند آنها را ز خانه بیرون بیاورند و بعد بکشند.

یادم نیست که بوش پسر بود و یا همین آقای باراک اوباما که گفت: «مردم افغان مانند بچه هائی هستند

که باید دست پشتشان گذاشت که دو چرخه سواری یاد بگیرند»

آمریکائی ها با چنین دیدی با ملتهای جهان سوم مذاکره میکنند و قرارداد میبندد. مردم افغان برخلاف باور آمریکائی ها مطالب قرارداد امنیتی را درک میکنند و برای جلوگیری از همین درک آنهاست که راه مخفی کاری و دور زدن مجلس آن کشور برگزیده شده است.

**مقایسه قرارداد امنیتی با موافقتنامه بین اسرائیل و آمریکا و ناتو**

موافقتنامه امنیتی بین اسرائیل و آمریکا که هم اکنون در کنگره مطرح است و نیز بخشی از قرارداد ناتو به اینجا آورده میشود تا فرق قرارداد امنیتی به معنای خالص حقوقی با قرارداد امنیتی افغانستان قابل مقایسه باشد:

## از طرح امنیتی اسرائیل و آمریکا

> دولت ایالات متحده آمریکا موظف است که در صورت حمله اسرائیل به تاسیسات هسته ای ایران، آمریکا به حمایت دیپلماتیک و نظامی و اقتصادی از اسرائیل برخیزد <

ملاحظه میکنید با تصویب این طرح از سوی کنگره فرماندهی عملیات علیه ایران از آمریکا به اسرائیل منتقل میشود. و آمریکا کاملا از نظر نظامی و اقتصادی و دیپلماتیکی در کنار اسرائیل قرار خواهد گرفت.



## از اساسنامه ناتو

> هر تجاوزی که به یکی از کشورهای عضو ناتو بشود بمنزله تجاوز به تمامی کشورهای عضو ناتوست <

بیش از ۲۵ بار در قرارداد امنیتی افغانستان علاقه و احترام آمریکا به استقلال و تمامیت ارضی و حق حاکمیت افغانستان تصریح شده است و درست هر جا که قرارداد امنیتی، خواسته تعرضی جامع به حق حاکمیت و تمامیت ارضی افغانستان بنماید در ابتدای آن ماده، مسئله احترام و علاقه آمریکا به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغان تصریح شده است در حالیکه هر مطالعه کننده قرارداد میفهمد که قرارداد امنیتی کوچکترین تکلیف برای آمریکا در دفاع از امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور ندارد و بلکه یکپارچه تمامیت ارضی و حتی شرافت مردم افغانستان را هم پایمال کرده است. (مقصود حق مصونیت قضائی سربازان آمریکائی و حق ورود به منازل افغانهاست).

## تساوه دیگر عدم تعهد آمریکا و تعهدات سفت و سخت طرف

تشابه دیگری که بروشنی در قرارداد امنیتی افغان و موافقتنامه ژنو مشهود و برجسته است عدم تعهد آمریکا و برعکس تعهد ایران و افغانستان است.

از باب نمونه در بند ۳ ماده ۴ آمده است:

ایالات متحده مکلف است تامین وجوه مالی را به شکل سالیانه برای حمایت از آموزش، تجهیزات و تقویت پایدار نیروها جستجو کند تا این کشور بتواند مستقلا امنیت خود را حفظ کند. ایالات متحده برای اجرای تعهدات شیکاگو (موافقتنامه آمریکا و افغانستان که کرزای آنرا امضا کرده و پیامد آن همین قرارداد امنیتی است) در مورد مقدار وجه مالی برای تامین و اجرای مفاد این قرارداد با افغانستان مشورت کرده و نتایج این مشورت را مورد توجه قرار خواهد داد.

برجسته ترین تعهدی! که در قرارداد امنیتی افغان برای آمریکا ثبت شده همین بند دوم ماده ۶ و بند سوم ماده ۴ است که ملاحظه فرمودید.

آیا جستجو کردن آمریکا برای بودجه لازم آموزش، تجهیزات و تقویت پایدار نیروهای افغان، از موارد تعهد است؟ اِدا - آیا مورد توجه قرار دادن از باب تعهد است؟ اِدا - اینها همه از موارد نظری و اختیاری و جنبه تعارف دارد نه الزام.

در همان بند سوم ماده ۴ عبارت «تا افغان بتواند مستقلاً امنیت خود را حفظ کند» نشان از آن دارد که آمریکا هیچگونه تعهدی در حفظ امنیت افغان ندارد یعنی قرارداد امنیتی افغان، طرفی بنام آمریکا ندارد.

### **تشابه در محرومیت از حق مراجعه به دادگاه بین المللی**

نکته دیگری که در قرارداد امنیتی قابل توجه است این است که حق مراجعه به دادگاههای داخلی و یابین المللی در مورد اجرای قرارداد امنیتی ساقط شده و افغانستان باید فقط از طریق گفتگو با آمریکا رفع مشکل و اختلاف نماید. «داد خواهی مظلوم به ظالم».

اما در موافقتنامه ژنو حق مراجعه به دادگاه بین المللی از ایران ساقط نشده ولی شرط دخالت دادگاه لاهه برای رسیدگی به شکایت ایران، رضایت و موافقت آمریکا برای احراز صلاحیت دادگاه لاهه است که در مراتب اجرائی تفاوتی بین موافقتنامه ژنو و قرارداد امنیتی نخواهد بود و مشکل هردو باید با مذاکره با آمریکا حل و فصل شود درست «داد خواهی مظلوم به ظالم»

متشکرم که اجازه میدهید ادامه داشته باشد....